

زیجر

دوفصلنامه علمی ترویجی فلسفه اسلامی
سال پنجم / شماره دوم / پیاپی ۹ / پاییز - زمستان ۱۳۹۸

بررسی و نقد استدلال علامه طباطبایی بر اثبات وجود رابط^۱

سینا علوی تبار^۲

احمد حیدر پور^۳

چکیده

علامه طباطبایی بر اساس تحلیل قضایای هلیه مرکبه صادق خارجی و صدق و انطباق این قضایا بر خارج، وجود رابط در ظرف خارج را اثبات کرده است. در این مقاله ابتدا استدلال ایشان بر اثبات وجود رابط در خارج از طریق قضایا، و سپس چهار اشکال بر استدلال علامه را مطرح کرده‌ایم که از آن میان، اشکال اول (اعم بودن دلیل از مدعا)، اهمیت بیشتری دارد. در ادامه به اقوال دیگر درباره وجود رابط در مطابق قضایا پرداخته‌ایم تا نظر علامه و برخی از منتقدان ایشان در مقام مقایسه، بهتر تبیین شود.

کلیدواژگان

قضیه، وجود رابط، مطابق قضایا، اثبات وجود رابط، علامه طباطبایی.

۱. تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۷/۱۰، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۹/۲۲.

۲. دانشجوی دکتری فلسفه و کلام اسلامی دانشگاه قم؛ مدرس علوم عقلی در حوزه قم (sinaalavitabar9889@gmail.com)

۳. دانشیار موسسه امام خمینی (aheydar6013@gmail.com)

مقدمه

یکی از تقسیمات اولیه وجود بر مبنای اصالت وجود، تقسیم آن به رابط و مستقل است. وجود رابط واقعی است که ذاتاً به موجود دیگری وابسته است، به گونه‌ای که قطع این وابستگی موجب انعدام آن می‌شود؛ اما در مقابل، وجود مستقل از هیچ جهتی هیچ نحو وابستگی به غیر ندارد. وجود رابط اتصالات متعددی دارد؛ از قبیل «محکی نسبت حکمیه در هلیات مرکبه صادقه»، «امری که وجود فی نفسه آن عین وجود لغیره باشد» (وجود عرض و صور نوعیه)، «وجود معلول نسبت به علت فاعلی و وجود ممکنات نسبت به واجب تعالی»؛ اما در این مقاله به معنای اول می‌پردازیم که علامه طباطبایی از طریق تحلیل قضایای هلیه مرکبه صادقه در صدد اثبات آن برآمده است، و بیان می‌کنیم که وجود رابط به این معنا از طریق استدلالی که ایشان ذکر کرده است، اثبات نمی‌شود و نیازمند تبیین و استدلال‌های دیگری است.

درباره پیشینه تحقیق می‌توان گفت که اصل استدلال بر اثبات وجود رابط خارجی از طریق قضایا را نخستین بار علامه طباطبایی در آثار خود متذکر شده است و بعد از ایشان بیشتر اندیشمندان آن را پذیرفته‌اند؛ اما عده‌ای نیز همچون استاد مصباح و استاد فیاضی در تعلیقات و آثار خود اشکالاتی را بر آن مطرح کرده‌اند. ما در این مقاله برآنیم که با چیدمانی منظم و تبیین بیشتر، اصل استدلال و اشکالات آن را مطرح کنیم و نظر حق را نمایان سازیم.

برهان بدیع علامه طباطبایی بر اثبات وجود رابط در خارج

در این برهان علامه طباطبایی ابتدا وجود رابط در قضیه را (در مقابل وجود محمولی) به اثبات رسانده و سپس با استفاده از آن برای اثبات وجود رابط در خارج استدلال کرده است. تقریر برهان به صورت خلاصه بدین قرار است:

مقدمه اول: هلیات مرکبه صادقه خارجیه‌ای داریم که هر یک از موضوع و محمول آنها بر خارج منطبق بوده و وجودی خاص به خود دارند؛^۱

مقدمه دوم: در هلیات مرکبه مذکور چیزی هست به نام «وجود رابط» یا «نسبت» که از سنخ معانی حرفی است؛ یعنی مفهومی است که حیثیتی جز حیثیت ربط بین مفهوم موضوع و مفهوم محمول ندارند.

۱. «وذلك أن هناك قضايا خارجية تنطبق بموضوعاتها ومحمولاتها على الخارج كقولنا زيد قائم والإنسان ضاحك (طباطبایی، نهاییه الحکمه، ص ۳۷).

بررسی و نقد استدلال علامه طباطبائی بر اثبات وجود رابط **۳۵**

نجد فيها (أى فى هذه القضايا) بين اطرافها (أى بين الموضوع والمحمول) من الأمر الذى نسميه نسبة وربطاً ما لا نجده فى الموضوع وحده ولا فى المحمول وحده ولا بين الموضوع وغير المحمول ولا بين المحمول وغير الموضوع، فهناك امر موجود وراء الموضوع والمحمول.^۱

علامه در این عبارت، وجود شیء دیگری علاوه بر مفهوم موضوع و مفهوم محمول را در قضایای مزبور، امری وجدانی دانسته و در ادامه، برهانی برای اثبات حرفی بودن این مفهوم اقامه کرده است:

ولیس منفصل الذات عن الطرفين بحيث يكون ثالثهما ومفارقا لهما كمفارقة احدهما الآخر، وألا احتاج الى رابط يربطه بالموضوع ورابط آخر يربطه بالمحمول، فكان المفروض ثلاثة خمسة، واحتاج الخمسة الى اربعة روابط آخر وصارت تسعة وهلمّ جرأً. فيتسلسل اجزاء القضية أو المركب الى غير النهاية، وهى محصورة بين حاصرین، هذا محال.^۲

تبیین این برهان: چون هر مفهوم اسمی و مستقل از سایر مفاهیم جداست و با آنها بی ارتباط است، پس اگر این رابط هم از سنخ مفاهیم اسمی باشد، مستقل و بی ارتباط با موضوع و محمول خواهد بود و در نتیجه به جای اینکه قضیه شامل دو مفهوم مستقل باشد که به وسیله رابط به هم مرتبط شده اند، شامل سه مفهوم مستقل بدون ارتباط و بریده از هم خواهد بود و چون فرض قضیه، وجود مفاهیم به هم پیوسته و مرتبط است، برای ارتباط این سه مفهوم مستقل (موضوع، محمول و رابط) به دو رابط دیگر نیاز داریم و با نقل کلام به این دو رابط می گوئیم این دو رابط نیز اگر مفاهیم اسمی و مستقل اند، موجب پیوند سه مفهوم مذکور نیستند و مجدداً به جای یک قضیه با پنج مفهوم مستقل و بی ارتباط مواجه می شویم که برای ارتباط آنها به چهار رابط دیگر نیازمندیم. باز با نقل کلام به این چهار رابط می بینیم با نه مفهوم مستقل رو به رو هستیم و به همین ترتیب ادامه می دهیم؛ در نتیجه می بینیم اگر روابط، مفاهیمی اسمی و مستقل باشند، برای ارتباط دو مفهوم موضوع و محمول و تشکیل یک قضیه، بی نهایت مفهوم دیگر لازم است و این محال است؛ زیرا به این معنا خواهد بود که ما وقتی یک قضیه یا مرکب تقيیدی را تصور می کنیم، در واقع موضوع و محمول را با بی نهایت مفهوم دیگر که بین آن دو هستند، یکجا و بالفعل تصور می کنیم و این، تحقق بی نهایت اشیای ذهنی بالفعل است؛ در حالی که از دو طرف به وسیله دو شیء ذهنی دیگر

۱. طباطبائی، نهایة الحکمه، ص ۳۷.

۲. همان، ص ۳۸.

(موضوع و محمول) محدود شده‌اند و فرض اشیای بالفعل بی‌نهایت محدود به دو حد (خواه آن اشیا ذهنی باشند و خواه عینی) در حقیقت فرض نامحدود محدود بوده و محال است؛ مقدمه سوم و نتیجه: هلیات مرکبه خارجیۀ صادقۀ صادقۀ با تمام اجزا بر خارج منطبق است و «صدق» ملازم خارجیت می‌باشد؛ یعنی در این قضیه، همان گونه که هر یک از موضوع و محمول بر خارج منطبق‌اند و مصداقی خاص به خود دارند، نسبت بین موضوع و محمول نیز که جزء دیگر قضیه است، بر خارج منطبق است و مصداقی خاص به خود دارد؛ به عبارت دیگر خارجی بودن قضیه و منطبق بودن آن بر خارج، همچنان که اقتضا می‌کند هر یک از موضوع و محمول - که مفهوم اسمی و مستقل‌اند - در خارج مصداق و وجودی مستقل داشته باشند، همچنین اقتضا می‌کند که رابط نیز - که مفهومی حرفی و عین‌الرابط به مفهوم موضوع و محمول است - در خارج مصداق و وجودی عین‌الرابط به وجود موضوع و محمول داشته باشد.^۱

البته باید اشاره شود که مقدمه سوم در کلام علامه به طور صریح بیان نشده است؛ اما اگر بپذیریم که علامه در پی اثبات وجود رابط در خارج بوده است نه صرفاً وجود رابط در ذهن، پس بی‌گمان به این مقدمه نیازمندیم.

استدلال علامه طباطبایی را می‌توان با تفصیل مقدمات و چینش منطقی دیگری به این صورت بیان کرد:

۱. هر انسانی بالوجدان می‌یابد که در قضایای هلیۀ مرکبه صادقۀ صادقۀ که حملشان شایع صناعی است، نظیر «الانسان ضاحک»، غیر از موضوع و محمول امر سومی وجود دارد که ربط میان موضوع و محمول است. این نسبت در موضوع به تنهایی یا محمول به تنهایی یافت نمی‌شود و نیز میان موضوع با محمول دیگر یا محمول با موضوع دیگری نیز دیده نمی‌شود؛

۲. آن امر سوم که در مقدمه پیشین بیان شد، موجود است؛ زیرا بالوجدان می‌یابیم که با موضوع و محمول به تنهایی قضیه تشکیل نمی‌شود. این شیء سوم همان وجود رابط و نسبت است؛

۳. وجود رابط، وجودی منفصل و جدای از وجود موضوع و محمول ندارد؛ زیرا اگر وجود رابط منفصل از آنها موجود باشد، برای ارتباط آنها با یکدیگر به دو رابط دیگر نیاز است تا به وسیله یکی از آنها به موضوع، و به وسیله دیگری به محمول مرتبط شود. بدین ترتیب قضیه مورد نظر پنج جزء خواهد داشت. در این صورت برای ارتباط آن اجزا نیز به وجودهای رابط دیگری نیاز است و این سلسله تا بی‌نهایت ادامه خواهد یافت. لازمه چنین سخنی این است که

۱. مصباح یزدی، شرح نهایه الحکمه، ص ۲۱۱-۲۱۷.



بررسی و نقد استدلال علامه طباطبایی بر اثبات وجود رابط

میان موضوع و محمول بی‌نهایت رابط وجود داشته باشد و این امر به معنای محصور شدن سلسله نامتناهی موجودات رابط میان دو حاصر است که امری محال است؛

۴. بنابراین در قضایای هلیه مرکبه خارجیّه موجبۀ صادقۀ به حمل شایع، سه امر موجود است: موضوع، محمول و رابط؛

۵. اگر قضیه خارجی صادق باشد، مطابق با خارج است؛ زیرا صدق به معنای مطابقت با واقع است و در محل بحث ما واقع همان خارج است؛

۶. قضیه صادقی که با خارج مطابق است، با همه اجزایش با خارج تطابق دارد؛ یعنی قضیه با هر سه جزئش مطابق خارج است؛ زیرا هر امر مرکبی زمانی در خارج متحقق می‌شود که همه اجزایش محقق باشد و اگر یکی از اجزای مرکب موجود نباشد، آن مرکب موجود نخواهد شد؛

۷. از آنجا که قضیه صادق با همه اجزایش با خارج مطابق است، موضوع، محمول و نسبت در خارج وجود دارد؛

نتیجه: رابط و نسبت خارجی در مطابق قضیه خارجی موجبۀ صادقۀ که به نحو هلیه مرکبه و حمل شایع است، موجود می‌باشد.

نقد و بررسی استدلال بر وجود رابط از طریق قضایا

اشکال اول

به نظر می‌رسد استدلال علامه بر اثبات وجود رابط در خارج صحیح نیست و از خلط بین مباحث منطقی و فلسفی ناشی شده است.

توضیح اینکه در یکی از مقدمات این برهان آمده که قضیه با تمام اجزایش بر خارج منطبق است؛ هم موضوع آن که مفهومی است مستقل، بر یک وجود خارجی مستقل منطبق است، هم محمول آن و هم نسبتش که مفهومی است حرفی و رابط، بر وجود خارجی غیر مستقل و رابط منطبق است. در این مقدمه چنین فرض شده که ملاک انطباق قضیه بر خارج این است که تمام اجزای قضیه در خارج مطابق خاص خود را داشته باشد. ولی این پذیرفتنی نیست؛ زیرا انطباق قضیه بر خارج مستلزم این نیست که هر یک از اجزای آن (اعم از موضوع و محمول و نسبت) در خارج بر وجودی خاص منطبق باشند؛ بلکه در خارجی بودن قضیه همان انطباق موضوع و محمول بر خارج و اتحاد آنها در خارج کافی است؛ خواه این اتحاد عین وجود فی نفسه یک طرف باشد به این صورت که وجود فی نفسه محمول عین وجودش برای موضوع باشد، و خواه این اتحاد، خود وجودی خاص به خود داشته باشد،

غیر از وجود موضوع و محمول که از سنخ وجود رابط است. پس این مقدمه وقتی به شکل صحیح در نظر گرفته شود، نتیجه برهان بیش از این نیست که ما در خارج دو وجود مستقل داریم که به نحوی با هم متحدند؛ یا به این نحو که وجود فی نفسه یکی عین اضافه و ارتباط به دیگری است و یا به این نحو که دو وجود فی نفسه‌اند که به وسیله یک وجود رابط با هم متحد شده‌اند. بنابراین، این برهان اتحاد دو وجود مستقل به وسیله یک وجود رابط را که عین وجود هیچ یک از دو طرف نیست، اثبات نمی‌کند و دلیل اعم از مدعاست؛ علاوه بر اینکه درباره هر جوهر و عرضی که حال در آن جوهر است می‌توان یک قضیه خارجی تشکیل داد و مثلاً گفت «جسم دارای سفیدی است» یا «جسم سفید است»، «انسان دارای علم است» یا «انسان عالم است» و مانند اینها. اگر برهان مزبور تمام باشد، باید بین وجود خارجی جسم و بیاض یا وجود خارجی انسان و علم و به طور کلی بین وجود هر جوهر و عرضی که حال در آن است، یک وجود رابط واسطه باشد که همان سبب اتحاد این جوهر و عرض شده است؛ در حالی که خود علامه طباطبایی بین وجود خارجی جوهر و عرض، به واسطه‌ای به نام وجود رابط که سبب اتحاد آن دو باشد، قائل نیست.^۱

مستشکل در سایر آثار خود اشکال را به بیان ذیل مطرح کرده است:

دلیلی که وجود رابط را از طریق تحلیل قضیه حملیه اثبات می‌کند، برای اثبات رابط به عنوان امری عینی کافی نیست؛ زیرا ثبوت موضوعات و محمولات در خارج از وجود خارجی رابطه میان آنها حکایت ندارد. رابط در قضایا اگر بر شیء خارجی دلالت کند، حاکی از اتحاد مصداق موضوع و محمول است که اعم از ثبوت رابط میان آنهاست. برای مثال، اتحاد جوهر و عرض یا ماده و صورت در خارج مستلزم وجود رابط بین آنها نیست. پس نمی‌توان با این بیان، وجود رابط را در خارج اثبات کرد؛ بلکه اثبات آن، مرهون کیفیت ارتباط معلول به علت است.^۲

در این جا خلطی میان مباحث فلسفی و منطقی روی داده است. اینکه گفته می‌شود میان موضوع و محمول رابط است، مختص به قضیه است و در خارج چنین چیزی نیست.^۳ بحث از قضایا و اجزای آن مربوط به منطوق است و به جهت ارتباط آن با برخی از مباحث فلسفی در فلسفه نیز مورد توجه قرار می‌گیرد.^۴

۱. رک: مصباح یزدی، تعلیقه علی نهایه الحکمه، ص ۵۸؛ عبودیت، شرح نهایه الحکمه، ج ۱، ص ۲۴۵.

۲. مصباح یزدی، آموزش فلسفه، ج ۱، ص ۷۲.

۳. همو، دروس فلسفه، ص ۷۱.

۴. همو، آموزش فلسفه، ج ۱، ص ۷۵.

حقیقت این است که وجود رابط در قضیه، از معقولات ثانیة منطقی به شمار می‌رود و جایگاه آن در ذهن است و چنان که در اشکال فوق به آن اشاره شده، تحقق آن در قضیه بر تحقق عینی آن در خارج دلالت نخواهد داشت. ذهن با تجزیة اتحاد مصداقی طرفین قضیه به دو مفهوم و قرار دادن یکی از آنها در مقام موضوع و دیگری در جایگاه محمول، حکم به اتحاد آنها می‌کند. این حکم همان طور که علامه طباطبایی نیز اشاره کرده، مربوط به فعل نفس است و حاکی از چیزی است که در خارج مشاهده کرده است.^۱

آنچه نفس در خارج مشاهده کرده، امری واحد است که در مقام تحلیل ذهنی به چند مفهوم همانند «موضوع»، «محمول» و «رابطه» تجزیه شده است؛ البته همه این مفاهیم ساخته شده در ذهن نمی‌توانند ما بیازای خارجی داشته باشند؛ زیرا مستلزم فروپاشی وحدت خارجی آنها خواهد بود.

نکته: برخی از متفکران معاصر در پاسخ به این اشکال بیان داشته‌اند که علامه طباطبایی خود متوجه این اشکال بوده و بدان جواب داده است:

پاسخ تلویحی علامه به این اشکال آن است که برهان بر اساس قضیه خارجی به لحاظ محکی واقعات اقامه شده است. در یک قضیه خارجی که موضوع و محمول آن دو ماهیت خارجی اند، هرگز آن دو متحد نخواهند بود؛ مگر آنکه محمول، افزون بر وجود فی نفسه، دارای وجود فی غیره هم باشد. بنابراین امکان ندارد بتوانیم یک قضیه خارجی صادق مطابق با واقع داشته باشیم، جز آنکه برای وجود رابط آن محکی واقعی داشته باشد. از این رو وجود رابط خارجی با برهان علامه به اثبات می‌رسد.

فرع اول از فروعاتی که علامه طباطبایی در بحث وجود رابط استخراج کرده است، پاسخ به اشکال یادشده نیز شمرده می‌شود. از نظر علامه ظرفی که در آن وجود رابط موجود می‌شود، همین ظرفی است که در آن دو طرف قضیه تحقق می‌یابند.^۲

اما به نظر می‌رسد این پاسخ، صحیح نباشد؛ چراکه مستشکل اشکال اول، اتحاد موضوع و محمول در خارج را قبول دارد، ولی بیان می‌دارد که این اتحاد می‌تواند به واسطه نحوه وجود محمول باشد، نه اینکه لزوماً توسط وجود رابط خارجی محقق باشد. پس همچنان دلیل اعم از مدعاست.

به طور خلاصه می‌توان گفت مهم‌ترین اشکال بیان علامه طباطبایی در این است که

۱. ر.ک: طباطبایی، *نهایة الحکمه*، ص ۲۵۱.

۲. سلیمانی امیری، «وجود رابط و وجود محمولی از نظر آقاعلی مدرس و علامه طباطبایی»، *حکمت اسلامی*، ص ۶.

نمی‌توان از راه صدق قضیه، وجود رابط خارجی را اثبات کرد؛ چراکه صدق قضیه یعنی مفاد اخبار قضیه، صادق است و در ما نحن فیه، مفاد قضیه اتحاد موضوع و محمول است و قضیه از این اتحاد اخبار می‌دهد. پس فقط لازم است این اتحاد در خارج مطابق داشته باشد؛ نه اینکه تک تک اجزای قضیه، وجود خارجی داشته باشند؛ زیرا این اتحاد می‌تواند توسط وجود رابط باشد یا توسط نحوه وجود محمول.

اشکال دوم

اگر چه نسبت و رابط در مطابق قضایای موجب صادق محقق، و معنای صدق نیز مطابقت با واقع است، ولی صدق در هر قضیه‌ای بر اساس نحوه حکایت همان قضیه است؛ یعنی اگر قضیه حملیه موجب صادق باشد، از هو هویت و اتحاد موضوع و محمول در واقع حکایت می‌کند؛ از این رو نسبت در همه قضایای حملیه موجب صادق، نسبت تحلیلی است، نه خارجی. پس این مدعا که در مطابق قضایای خارجی موجب صادق که به نحو هلیه مرکبه و حمل شایع هستند (نظیر الإنسان ضاحک) رابط و نسبت خارجی محقق است، سخن درستی نیست.^۱

اشکال سوم

به فرض که بر اساس استدلال یادشده، صدق قضیه مستلزم تحقق همه اجزای آن از جمله نسبت در خارج باشد، چنین سخنی شامل هلیه بسیطه و حمل اولی نیز می‌شود. چراکه این استدلال، نسبت و رابط خارجی در مطابق هلیات بسیطه و حمل اولی صادق را نیز اثبات می‌کند؛ در حالی که خود علامه پذیرفته است که در مطابق هلیات بسیطه و حمل اولی، به دلیل آنکه نسبت میان شیء با خود یا با وجودش معنا ندارد، نسبت و رابط خارجی محقق نیست.^۲

مستشکل اشکال دوم و سوم، اصل اثبات وجود رابط در مطابق قضایا از طریق تحلیل واقعیات خارجی را قبول دارد، ولی مدعی است وجود رابط در مطابق همه قضایای موجب صادق موجود است؛ اعم از آنکه قضیه حملیه باشد یا متصله و منفصله، هلیه بسیطه باشد یا مرکبه، حمل در آن اولی باشد یا شایع صناعی.^۳

اشکال دوم و سوم با بررسی اقوال وجود رابط در مطابق قضایا تبیین بیشتر خواهد یافت.

۱. ر.ک: فیاضی، جستارهایی در فلسفه اسلامی، ج ۱، ص ۵۰۸-۴۶۴.

۲. همان.

۳. ر.ک: همان.

اشکال چهارم

برخی در تحقق وجود رابط تردید کرده و اشکالی را بدین شرح وارد نموده‌اند که ثبوت هر شیء برای غیر، فرع ثبوت فی نفسه آن شیء است؛ یعنی وقتی در قضیه «الف ب است» از ثبوت «ب» برای «الف» خبر داده می‌شود، ثبوت «ب» برای «الف» متفرع بر این است که «ب» اولاً فی نفسه ثبوت داشته باشد و ثانیاً برای «الف» ثابت باشد؛ زیرا اگر «ب» فی نفسه وجود نداشته باشد، معدوم خواهد بود و شیء معدوم نمی‌تواند برای غیر خود ثبوت پیدا کند و اگر وجود رابط در هلیات مرکبه ثابت باشد، در این حال ثبوت محمول (ثبوت «ب») نیز برای موضوع («الف») ثابت خواهد بود و چون به محمول اخیر یعنی ثبوت «ب» و ثبوت ثبوت آن برای موضوع نقل کلام شود، سلسله‌ای غیر متناهی از ثبوت‌های پیاپی که همان وجودهای رابط است، لازم می‌آید و منشأ این سلسله نامحدود، همان تحقق است که برای وجود رابط در نظر گرفته شده است.

علت به تسلسل انجامیدن قول به وجود رابط این است که مستشکل وجود رابط را لحاظ استقلالیه کرده و آن را به عنوان محمول در یکی از دو حاشیه حکم قرار داده و برای آن، ثبوت و ربطی دیگر در نظر گرفته است که در این حال، آن ثبوت جدید، نسبتی تازه است که مرآت شناخت ثبوت پیشین می‌باشد و به همین دلیل، جز در پرتو آن ثبوت سابق که به استقلال مورد نظر قرار گرفته بود، به آن التفات نمی‌شود و اگر این ثبوت و نسبت جدید که ثبوت دوم است، دیگر بار، نه به تبع دو طرف قضیه، بلکه با قصد مجدد مورد نظر استقلالیه قرار گیرد چنان که توجه از موضوع و محمول منقطع شده و آنها بالعرض در معرض نظر واقع شوند، در این حال ثبوت دوم، دیگر بار در یکی از دو حاشیه قضیه جدید واقع می‌شود و ثبوت سومی را که فاقد نظر استقلالیه است طلب می‌کند و بر این سیاق با ملاحظات و توجهات بعدی، نسبت‌ها و رابط‌های متوالی پدید می‌آیند.

قاعده‌ای که شیخ اشراق برای شناخت امور اعتباری بیان می‌دارد این است که هر آنچه فرض وجودش تکرر نوعش را در پی داشته باشد، اعتباری است. اگر این قاعده به استدلال فوق منضم شود، اعتباری بودن وجود رابط در خارج ثابت می‌شود و معلوم می‌گردد که وجود رابط در خارج تحقق ندارد؛ بلکه یک معنای ذهنی است که در حمل محمولات خارجی بر موضوعاتشان اعتبار می‌شود.

پاسخ اشکال چهارم: در جواب این اشکال گفته شده که گرچه قاعده شیخ اشراق در مورد امور اعتباری خالی از اشکال است، ولیکن وجود رابط از مصادیق این قاعده نیست؛ زیرا از تحقق وجود رابط تکرر نوع آن لازم نمی‌آید و استدلالی که برای اثبات لزوم سلسله غیر متناهی

وجودهای رابط و ثبوت‌های متکرر ذکر شد، ناشی از خلط بین وجود رابط و رابطی است. وقتی مفهوم «وجود» بر مصداقی که رابط در قضایاست اطلاق می‌شود، مغایر با وقتی است که در معنای مطلق آن (اعم از نفسی و رابطی) یا برای خصوص رابطی آن به کار می‌رود. «قیام» در جمله «زید قائم است» دارای وجود محمولی و رابطی است و ثبوت قیام برای زید در جمله مزبور که کلمه «است» بر آن دلالت می‌کند، وجود رابط است، و با آنکه مفهوم وجود برای این هر دو قسم به یک معنا به کار می‌رود، ولی مصادیق این دو دارای اختلاف تشکیکی‌اند و به همین دلیل حکم آن به لحاظ این مصادیق تفاوت می‌یابد. اطلاق لفظ واحد «وجود» بر این دو مصداق، در موارد بسیاری زمینه مغالطه لفظی را فراهم آورده و در نتیجه موجب شده که احکام مربوط به این دو قسم (وجود رابط و وجود رابطی) با یکدیگر خلط شود.

وجود رابط در حکم ادوات و حروف است و هرگز به صورت مستقل و به حسب ذات خود لحاظ نمی‌شود. در مقابل وجود رابط که وجود فی غیره است، وجود فی نفسه قرار دارد. وجود فی نفسه به لحاظ ذات خود دارای حقیقت است و تحقق دارد و به دو قسم: لنفسه و لغیره تقسیم می‌شود و وجود فی نفسه لغیره همان وجود رابطی است. وجود رابطی با اینکه به لحاظ ذات خود از تحقق برخوردار است، قیام به غیر دارد؛ نظیر اعراض و صور جوهری.

وجود رابط که فاقد نفسیت بوده و فی غیره است، در قضیه «الف ب است» همان «کان ناقصه» و «ب بودن الف» است و چون هیچ گونه نفسیتی ندارد، فاقد ماهیت است؛ زیرا استقلالی در سؤال و جواب ماهوی ندارد و از این جهت تحت هیچ مقوله‌ای قرار نمی‌گیرد؛ حتی مقوله اضافه؛ چه آنکه مقوله اضافه از اقسام ماهیات مقولی است، در حالی که وجود رابط صرفاً دارای مفهوم است، نه ماهیت. مفاد وجود رابط غیر از وجودی است که «ب» به عنوان وجود فی نفسه لغیره داراست.

اعراضی که برای موضوعات خود موجودند و صوری که در محل‌های خود هستند، هر یک با آنکه برای غیر خود بوده و لغیره می‌باشند، وجود فی نفسه دارند؛ حال آنکه وجود رابط که «بودن ب برای الف» و «اتصاف الف به ب» است، عین ربط و فانی در غیر است و قابل ملاحظه استقلالی نیست؛ مگر آنکه از حیث رابط بودن منسلخ شود.

وجود رابط که در خارج به صورت فی غیره محقق است، به دلیل آنکه هستی فی نفسه ندارد، هیچ گاه نظیر وجود رابطی اعراض یا صور جوهری، محمول واقع نمی‌شود و تنها در صورتی می‌تواند به صورت محمول بر موضوعی حمل گردد که مانند یک معنای اسمی مورد



بررسی و نقد استدلال علامه طباطبایی بر اثبات وجود رابط

نظر استقلالی قرار گیرد که در این حال، آن معنای اسمی، امری اعتباری و انتزاعی است و موجودیتش تنها در ظرف ذهن خواهد بود. پس موضوع خارجی نظیر «الف» علاوه بر اینکه به محمولاتی خارجی نظیر «ب» متصف می‌شود، می‌تواند به برخی از محمولاتی متصف شود که فاقد ثبوت خارجی‌اند و به عنوان امری اعتباری و معنایی عدمی تنها در ظرف ذهن ثبوت دارند؛ مانند «ثبوت ب برای الف» که در خارج حقیقتی حرفی بوده و فاقد وجود رابطی و محمولی است، ولی اگر مفهوم آن در ذهن به صورت اسمی مورد نظر قرار گیرد، با آنکه یک معنای ذهنی است، دیگر بر موضوع (الف) حمل می‌شود.

از آنچه بیان شد خدشه‌ی یکی از مقدمات مأخوذ در اشکال آشکار می‌شود؛ زیرا در اشکال آمده بود که ثبوت یک شیء برای شیء دیگر فرع ثبوت ثابت است؛ یعنی محمولی که بر موضوعی حمل می‌شود، باید خود امری وجودی بوده و فی نفسه موجود باشد؛ ولی اکنون دانسته شد که برخی از محمولات با اینکه بر موضوع حمل می‌شوند، از امور عدمی‌اند و تنها در ذهن می‌توانند به صورت محمولی وجود داشته باشند.

عدمی و اعتباری بودن ثبوت و وجودی که از نگاه به کان ناقصه هلیات مرکب انتزاع می‌شود و بر موضوع حمل می‌گردد، موجب می‌شود تسلسل مذکور در اشکال با لحاظ‌های مکرر و پیاپی ذهن ایجاد شود و استمرار یابد و این گونه از تسلسل، ممتنع نیست؛ زیرا سلسله آن با قطع لحاظ‌های ذهنی، قطع می‌شود؛ پس تسلسلی که در مقام لازم می‌آید، تسلسلی اعتباری است و محالی را در پی ندارد تا بر اساس قاعده‌ای که شیخ اشراق بیان داشت، نفی وجود رابط را نتیجه دهد.^۱

اقوال دیگر درباره وجود رابط در مطابق قضایا

طبق نظر علامه طباطبایی وجود رابط فقط در مطابق قضایای خارجیّه موجبۀ صادق که به نحو هلیه مرکبه‌اند و حمل در آنها شایع صنایع است، محقق می‌شود. اما در این قسمت از مقاله می‌خواهیم به چند قول دیگر و خلاصه استدلال آنها اشاره کنیم تا در مقام مقایسه، نظر علامه طباطبایی بهتر تبیین شود.

قول اول

رابط و نسبت در مطابق قضایای موجبۀ صادق موجود است؛ اعم از اینکه قضیه حملیه باشد یا متصله و منفصله، هلیه بسیطه باشد یا مرکبه، حمل در آن حمل اولی باشد یا شایع صنایع. بنابراین وجود رابط در واقع و مطابق همه قضایای موجبۀ صادق موجود است؛ ولی

۱. شوندی، وجود رابط در فلسفه اسلامی، ص ۱۵۳-۱۵۷.

موجود بودن وجود رابط و نسبت در واقع و مطابق قضایا، گاهی به نحو وجود خارجی است و گاهی به نحو وجود تحلیلی.^۱

استدلال قول اول

مقدمه

نسبت در یک تقسیم‌بندی به دو قسم تقسیم می‌شود:
الف) نسبت خارجی: هرگاه طرفین در خارج دو فرد مغایر هم داشته باشند، نسبت و وجود رابط میان آنها خارجی خواهد بود؛ مانند نسبتی که در مقوله «جده»، «اضافه»، «فعل» و «انفعال» دیده می‌شود؛

ب) نسبت تحلیلی: هرگاه طرفین در خارج دو فرد مغایر هم نداشته باشند بلکه دو معنای مغایر هم در خارج به یک فرد موجود باشند، نسبت و وجود رابط میان آنها تحلیلی خواهد بود (عقل در مقام تحلیل، حالت کشفی دارد نه حالت خلقی).

نسبت در یک تقسیم‌بندی دیگر به دو قسم تقسیم می‌شود:
الف) نسبت حقیقی: نسبتی که طرفین آن در ظرف تحققشان تغایر حقیقی داشته باشند و اعتبار در آنها هیچ نقشی نداشته باشد؛ مثل نسبت میان انسان و لباسش؛

ب) نسبت اعتباری: نسبتی که طرفین آن در ظرف تحققشان تغایر حقیقی و فی نفسه ندارند؛ بلکه تغایرشان اعتباری است؛ مانند نسبت در مطابق قضیه «الإنسان انسان» و «الإنسان حیوان ناطق» که تغایر طرفین آنها در ظرف اعتبار است؛ بدین نحو که یک معنا دو مرتبه اعتبار شده یا اینکه یک بار به صورت مجمل و یک بار به صورت مفصل اعتبار شده است. بنابراین نسبت و وجود رابط در مطابق قضایای حمله‌ی موجبه‌ی صادق که حمل در آنها اولی ذاتی است، نسبت اعتباری خواهد بود.^۲

استدلال

نسبت و رابط در مطابق همه‌ی قضایای موجبه‌ی صادق موجود است؛ لیکن گاهی نسبت خارجی است، نظیر برخی از قضایای شرطیه، و گاهی نسبت تحلیلی است، نظیر قضایای

۱. فیاضی، جستارهایی در فلسفه اسلامی، ج ۱، ص ۴۸۶.

۲. «لا رابط فی انفسها (أی فی أنفس قضایا التي يكون الحمل فيها حملاً أولاً) ولا فی مطابقتها ألاً بحسب الإعتبار الذهنی واما بحسب هذا الاعتبار فتحقق النسبة فیها وفي مطابقتها جميعاً» (طباطبایی، نه‌ایة الحکمه، تصحیح و تعلیق غلامرضا فیاضی، ج ۱، ص ۱۲۷، تعلیقه ۱۶).

حمله‌ی موجبه‌ی صادق^۱ و برخی دیگر از قضایای شرطیه‌ی موجبه‌ی صادق؛ همچنین گاهی نسبت حقیقی است و گاهی اعتباری؛ اما در مطابق قضایای کاذب و نیز قضایای سالبه، رابط و نسبت تحقق ندارد؛ زیرا کاذب بودن قضیه به معنای عدم تحقق نسبت در عالم واقع است. در مطابق قضایای سالبه نیز رابط و نسبت تحقق ندارد؛ زیرا مفاد قضیه‌ی سالبه، سلب نسبت در عالم واقع است و سلب نسبت به معنای عدم نسبت است و بدین ترتیب، نسبت و رابط در مطابق قضایای سالبه محقق نیست؛ به بیان دیگر عدم نسبت، نقیض وجود نسبت است و دو نقیض با یکدیگر قابل جمع نیستند.^۲

قول دوم

در مطابق همه‌ی قضایای خارجی موجبه‌ی صادق رابط و نسبت خارجی محقق است؛ اعم از اینکه حمله‌ی باشد یا متصله و منفصله، هلیه‌ی بسیطه باشد یا مرکبه، حمل در آنها اولی ذاتی باشد یا شایع صناعی.^۳

قول سوم

در مطابق قضایای خارجی صادق رابط و نسبت خارجی محقق است.^۴

اشکالات دو قول اخیر

۱. این دو قول در مطابق قضایای هلیه‌ی بسیطه بی‌معناست؛ زیرا چگونه می‌توان میان یک شیء و وجودش که عین آن است به نسبت خارجی قائل شد؟
۲. این دو قول در مطابق قضایای حمله‌ی مرکبه که حملشان اولی است به کلی بی‌معناست؛ زیرا چگونه می‌توان میان یک شیء و خودش به نسبت خارجی قائل شد؟
۳. مفاد قضیه‌ی سالبه، سلب نسبت در واقع است نه نسبت سلب؛ لذا قضایای سالبه نمی‌توانند نسبت خارجی داشته باشند (این اشکال مختص قول سوم است؛ زیرا در قول سوم قضایای خارجی اعم از سالبه و موجبه لحاظ شده است)؛
۴. طبق قول اول، وجود نسبت در هر ظرفی، فرع بر تغایر طرفین آن است. حال اگر طرفین نسبت در خارج با یکدیگر متغایر و به دو فرد موجود باشند، نسبت میان آنها نیز خارجی است؛ ولی اگر طرفین نسبت در خارج متغایر هم نباشند و به یک فرد محقق باشند و

۱. زیرا طبق نظریه‌ی صحیح، مفاد قضیه‌ی حمله‌ی هویت و اتحاد موضوع و محمول در خارج است و از این رو موضوع و محمول در خارج به عین یکدیگر و با یک فرد خارجی موجودند؛ لذا نسبت آنها نمی‌تواند خارجی باشد.

۲. ر.ک: فیاضی، جستارهایی در فلسفه اسلامی، ج ۱، ص ۵۰۸-۴۶۴.

۳. همان.

۴. همان.

تغایر آنها صرفاً در تحلیل عقل باشد، نسبت میان آنها تحلیلی خواهد بود. بر این اساس، نسبت در مطابق همه قضایای موجهه، خارجی نیست؛ بلکه نسبت در مطابق آنها گاهی خارجی و گاهی تحلیلی است.

جمع‌بندی

علامه طباطبایی برای اثبات وجود رابط در خارج، ابتدا وجود رابط در قضیه را (در مقابل وجود محمولی) به اثبات رسانده و سپس با استفاده از انطباق و صدق تمام اجزای قضیه مرکب صادق، به وجود رابط خارجی نایل شده است. اما مهم‌ترین اشکال بیان علامه طباطبایی در این است که نمی‌توان از راه صدق قضیه، وجود رابط خارجی را اثبات کرد؛ چراکه صدق قضیه یعنی اینکه مفاد اخبار قضیه، صادق است و در ما نحن فیہ، مفاد قضیه، اتحاد موضوع و محمول است و قضیه از این اتحاد خبر می‌دهد. پس فقط لازم است این اتحاد در خارج مطابق داشته باشد؛ نه اینکه تک تک اجزای قضیه، وجود خارجی داشته باشند؛ زیرا این اتحاد می‌تواند توسط وجود رابط باشد یا توسط نحوه وجود محمول؛ بنابراین دلیل علامه طباطبایی اعم از مدعاست و توانایی اثبات وجود رابط خارجی را ندارد.

طبق نظر علامه طباطبایی وجود رابط فقط در مطابق قضایای خارجی موجهه صادق که به نحو هلیه مرکب هستند و حمل در آنها شایع صناعی است، محقق است؛ اما در مقابل، عده‌ای بر آن‌اند که رابط و نسبت در مطابق قضایای موجهه صادق موجود است، اعم از اینکه آن قضیه، حملیه باشد یا متصله و منفصله، هلیه بسیطه باشد یا مرکبه، حمل در آن حمل اولی باشد یا شایع صناعی. بنابراین وجود رابط در واقع و مطابق همه قضایای موجهه صادق، موجود است؛ ولی موجود بودن وجود رابط و نسبت در واقع و مطابق قضایای گاهی به نحو وجود خارجی است و گاهی به نحو وجود تحلیلی. بنابراین نسبت و رابط در مطابق همه قضایای موجهه صادق موجود است؛ لیکن گاهی نسبت خارجی است، نظیر برخی از قضایای شرطیه، و گاهی نسبت تحلیلی است، نظیر قضایای حملیه موجهه صادق (زیرا طبق نظریه صحیح، مفاد قضیه حملیه هو هویت و اتحاد موضوع و محمول در خارج است و از این رو، موضوع و محمول در خارج به عین یکدیگر و با یک فرد خارجی موجودند؛ لذا نسبت آنها نمی‌تواند خارجی باشد) و برخی دیگر از قضایای شرطیه موجهه صادق، و نیز گاهی نسبت حقیقی است و گاهی اعتباری.



منابع

۱. طباطبایی، محمدحسین، **نهایة الحکمه**، تصحیح و تعلیق غلامرضا فیاضی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام، ۱۳۹۲ش.
۲. شوندی، زین العابدین، **وجود رابط در فلسفه اسلامی**، قم، میراث ماندگار، ۱۳۹۵ش.
۳. عبودیت، عبدالرسول، **شرح نهایة الحکمه**، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام، ۱۳۹۱ش.
۴. مصباح یزدی، محمدتقی، **تعلیقہ علی نهایة الحکمه**، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام، ۱۳۹۲ش.
۵. _____، **دروس فلسفه**، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران ۱۳۷۵ش.
۶. _____، **آموزش فلسفه**، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۶ش.
۷. نبویان، سید محمد مهدی، **جستارهایی در فلسفه اسلامی مشتمل بر آرای اختصاصی آیت الله فیاضی**، قم، مجمع عالی حکمت، ۱۳۹۵ش.
۸. سلیمانی امیری، عسکری، «وجود رابط و وجود محمولی از نظر آقاعلی مدرس و علامه طباطبایی»، **مجله حکمت اسلامی**، ۱۳۹۵ش.

